



آسیب‌شناسی تربیت دینی

دکتر محمدعلی حاجی ده‌آبادی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۹

Haci Dehabadi, M. Ali

حاجی ده‌آبادی، محمدعلی، ۱۳۴۴-

آسیب‌شناسی تربیت دینی / محمدعلی حاجی ده‌آبادی. — قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۹.

نه، ۱۸۸ ص. — (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۵۵۸: علوم تربیتی؛ ۵۳)

ISBN: 978-600-298-334-3

بها: ۲۶۵۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه، ص. [۱۷۱]_ ۱۷۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. اسلام و آموزش و پرورش. ۲. Islamic education. ۳. اسلام و آموزش و پرورش -- هدف‌ها و نقش‌ها.

۴. Islamic education -- Aims and objectives. ۵. تعلیمات دینی اسلامی. ۶. Islamic religious education.

۷. اسلام و آموزش و پرورش -- ایران. ۸. Islamic education -- Iran. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.

۲۹۷/۴۸۴۷

BP۲۳۰/۱۸

۷۴۱۷۱۴۸

شماره کتابشناسی ملی



آسیب‌شناسی تربیت دینی

مؤلف: محمدعلی حاجی ده‌آبادی (دانشیار دانشگاه قم)

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

ویراستار: سعیدرضا علی‌عسگری

صفحه‌آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۹

تعداد: ۲۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم-سبحان

قیمت: ۲۶۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نیش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات

۳۷۱۸۵-۳۱۵۱، ص.ب. ۳۲۸۰۳۰۹۰، نماز: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰)

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۵-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

فروشگاه اینترنتی: <http://rihu.ac.ir/fa/book>

مرکز یخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و هدایت پدیده‌های انسانی در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر است و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی، فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به‌عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام‌خمينی «ره»، بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری «دفتر همکاری حوزه و دانشگاه» را در سال ۱۳۶۱ فراهم کرد و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت استادان حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جامعه علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار بیش از ۵۵۵ عنوان کتاب و شش نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی برای استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان به مباحث علوم تربیتی قابل استفاده است.

از استادان و صاحب نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، دکتر محمدعلی حاجی ده‌آبادی و نیز از زحمات ارزیابان محترم، دکتر سیدعلی حسینی‌زاده و دکتر فاطمه وجدانی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار.....
فصل اول: کلیات	
۳	مقدمه.....
۳	بیان مسئله.....
۵	سؤالات اصلی و فرعی.....
۵	روش تحقیق.....
۶	ساختار پژوهش.....
۷	مبحث اول: تربیت؛ معناشناسی و ویژگی‌ها.....
۷	۱. مفهوم‌شناسی تربیت.....
۹	۲. خصائص و ویژگی‌های تربیت.....
۱۱	۳. واژگان ناظر به تربیت در متون اسلامی.....
۱۳	۴. تربیت؛ فرایند یا نهاد؟.....
۱۴	مبحث دوم: دین.....
۱۴	۱. مفهوم‌شناسی دین.....
۱۴	۱-۱. مبنا و مأخذ دین.....
۱۵	۱-۲. ماهیت و هویت دین.....
۱۵	۱-۳. گستره و قلمرو دین.....
۱۵	۱-۴. عناصر ساختاری دین.....
۱۷	۲. ابعاد دین و دینداری.....
۱۸	۳. ماهیت دین در متون اسلامی.....
۲۰	مبحث سوم: تربیت دینی.....
۲۰	۱. مفهوم‌شناسی.....
۲۵	۲. ابعاد تربیت دینی.....

۲۶	۱-۲. بعد غیردیداری تربیت دینی
۲۷	۲-۲. بعد دیداری تربیت دینی
۲۸	مبحث چهارم: آسیب‌شناسی تربیت دینی
۲۸	۱. مفهوم‌شناسی
۲۹	۲. رویکردها و روش‌ها در آسیب‌شناسی تربیت دینی
۳۱	۳. اهمیت و ضرورت آسیب‌شناسی دینی در متون اسلامی
۳۱	۳-۱. آسیب‌شناسی تربیت دینی، معرفتی اصیل و مستقل
۳۳	۳-۲. بعثت پیامبر اکرم <small>صلی الله علیه و آله</small> در راستای آسیب‌زدایی از تربیت دینی و دینداری
۳۴	۳-۳. آسیب‌شناسی جزء ضروری و حتمی دینداری و تربیت دینی
۳۵	۳-۴. آسیب‌شناسی تربیت دینی، ضرورت و وظیفه‌ای عقلی
۳۵	۳-۵. برترین دعا، درخواست عافیت و سلامت از آفت‌ها و آسیب‌های دینداری از خداوند
۳۶	۳-۶. ارائه روش‌های مؤثر در تربیت دینی مستلزم شناخت آسیب‌ها و آفت‌ها
۳۸	۳-۷. بهسازی و سالم‌سازی انسان‌ها و جامعه انسانی در گروه سلامت فرایند تربیت دینی

فصل دوم: اصول و قواعد تربیت دینی (معیارهای آسیب‌شناسی)

۳۹	مقدمه
۴۱	مبحث اول: عقلانیت‌مداری
۴۱	۱. معنا و مفهوم عقلانیت‌مداری
۴۱	۲. گستره و قلمرو
۴۴	۳. شواهد و نمونه‌ها
۴۴	الف) دینداری رهاورد تعقل و تفکر
۴۶	ب) دعوت به پرسش و استدلال‌خواهی و استدلال‌آوری
۴۶	ج) ترغیب به معیارگرایی و پرهیز از مصداق‌گرایی
۴۸	مبحث دوم: تعبد (عبودیت‌مداری)
۴۸	۱. معنا و مفهوم
۴۹	۲. گستره اصل تعبد
۵۰	۳. شواهد و نمونه‌ها
۵۲	مبحث سوم: رغبت‌انگیزی (ترغیب)
۵۲	۱. معنا و مفهوم
۵۳	۲. گستره و قلمرو
۵۳	۳. شواهد و نمونه‌ها
۵۶	مبحث چهارم: تخویف و ترهیب
۵۶	۱. معنا و مفهوم
۵۶	۲. گستره و قلمرو
۵۷	۳. شواهد و نمونه‌ها

۵۹	مبحث پنجم: همه‌جانبه‌نگری (جامعیت).....
۵۹	۱. معنا و مفهوم.....
۵۹	۲. گستره و قلمرو.....
۶۰	۳. شواهد و نمونه‌ها.....
۶۲	مبحث ششم: تناسب‌مداری (رعایت تفاوت‌های انسانی و فردی).....
۶۲	۱. معنا و مفهوم.....
۶۳	۲. گستره و قلمرو.....
۶۴	۳. شواهد و نمونه‌ها.....
۶۷	مبحث هفتم: اصل الزام و تکلیف تربیتی (واداشتن و بازداشتن).....
۶۷	۱. معنا و مفهوم.....
۶۸	۲. گستره و قلمرو.....

فصل سوم: نشانه‌های آسیب‌مندی تربیت دینی

۷۱	مقدمه.....
۷۳	مبحث اول: کفر و دین‌ستیزی.....
۷۶	مبحث دوم: ریا و تظاهر در دینداری.....
۷۹	مبحث سوم: عبادت‌ورزی جاهلانه.....
۸۲	مبحث چهارم: توجیه‌گری؛ عقلانیت‌گرایی سطحی و آمیخته با هوا و هوس.....
۸۳	مبحث پنجم: غلو در دین.....
۸۶	مبحث ششم: کسالت روحی و سستی در انجام دادن وظایف و تکالیف دینی.....
۸۸	مبحث هفتم: امیدورزی واهی.....
۹۱	مبحث هشتم: سستی و پای‌بند نبودن به ارزش‌ها و هنجارهای دینی و اخلاقی.....
۹۴	مبحث نهم: دنیا‌گرایی و دنیا‌طلبی افراطی.....
۹۷	مبحث دهم: رهبانیت و دنیا‌گریزی.....

فصل چهارم: زمینه‌های آسیب‌زا

۱۰۱	مقدمه.....
۱۰۲	مبحث اول: زمینه‌های تربیت دینی، ماهیت و انواع آن.....
۱۰۵	مبحث دوم: زمینه‌های فردی وراثتی آسیب‌زا.....
۱۰۹	مبحث سوم: زمینه‌های فردی غیروراثتی آسیب‌زا.....
۱۰۹	۱. پرخوری و شکم‌بارگی.....
۱۱۰	۲. غلبه شهوت‌ها و هواهای نفسانی.....
۱۱۳	مبحث چهارم: زمینه‌های محیطی آسیب‌زا.....
۱۱۳	۱. محیط نامناسب و نامساعد خانوادگی.....
۱۱۶	۲. اهتمام نداشتن به آموزش دینی فرزندان و بازداشتن آنان از این مهم.....

۱۱۷زمینه‌های اقتصادی آسیب‌زا.	۳
۱۱۷۱-۳. تأمین نشدن نیازهای اقتصادی، زمینه‌ساز کاهش روحیه و رفتار دینی	۳-۱
۱۱۸۲-۳. وابستگی به ثروتمندان و مرفهان؛ مانع دینداری حقیقی	۳-۲
۱۱۹۳-۳. درآمدهای نامشروع و تغذیه از مال حرام	۳-۳
۱۲۱۴-۳. رواج روحیه رفاه‌زدگی و ثروت‌اندوزی	۳-۴
۱۲۱۴. زمینه‌های فرهنگی آسیب‌زا	۴
۱۲۳۱-۴. خفقان و اختناق فکری مانع تکوین باورهای دینی قوی	۴-۱
۱۲۶۲-۴. اباحی‌گری و نداشتن حساسیت و مقابله نکردن با جریان‌های فرهنگی مخرب	۴-۲
۱۲۷۵. برخورد نادرست با شک و تردید در آموزه‌های دینی	۵
۱۲۹مبحث پنجم: زمینه‌های خاص آسیب‌زا در تربیت دینی	
۱۲۹۱. دشواری انجام دادن تکالیف دینی	۱
۱۳۰۲. متشابهات و گزاره‌های مبهم	۲

فصل پنجم: آسیب‌شناسی روش‌های تربیت دینی

۱۳۳مقدمه	
۱۳۴مبحث اول: آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی	
۱۳۵۱. تاریخی جلوه دادن اسوه‌های دینی	۱
۱۳۶۲. تعمیم‌های الگویی نادرست	۲
۱۳۶۳. فرا انسانی جلوه دادن الگوهای دینی	۳
۱۳۸۴. تقدس‌زدایی از الگوهای دینی	۴
۱۳۸۵. ارائه ندادن مصداق‌ها و نمونه‌های واضح از زندگی اسوه‌ها	۵
۱۳۹۶. پردازش مبهم، نامفهوم و گاه متناقض اسوه‌ها	۶
۱۴۰مبحث دوم: آسیب‌شناسی روش پاسخگویی به پرسش‌های دینی	
۱۴۱۱. سؤال‌زدایی	۱
۱۴۳۲. روا ندانستن طرح سؤال درباره موضوعات و مسائل دینی	۲
۱۴۶۳. پاسخ‌های قدیمی و کهنه به پرسش‌های نسل جدید	۳
۱۴۸مبحث سوم: و استفاده از خرافات در تربیت دینی	
۱۵۱مبحث چهارم: کمیت یا کیفیت‌گرایی افراطی در برنامه‌های عبادی	
۱۵۴مبحث پنجم: تحمیل و اجبار ناروا در تربیت دینی	
۱۵۴۱. اجبار و تحمیل در باورها و احساسات دینی	۱
۱۵۵۲. اجبار منجرکننده و تنفرآور	۲
۱۵۶۳. اجبار و الزام به امور غیرواجب	۳
۱۵۷۴. خشونت‌ورزی به جای الزام منطقی و نیکو	۴
۱۵۹مبحث ششم: سیطره ناهالان بر تربیت دینی	
۱۶۰مبحث هفتم: اکتفا کردن به ارائه اطلاعات دینی و دین‌دهی	

۱۶۲مبحث هشتم: آسیب‌شناسی روش تربیت قرنطینه‌ای
۱۶۷جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۱۷۱ فهرست منابع

نمایه‌ها

۱۷۹نمایه آیات
۱۸۱نمایه روایات
۱۸۷نمایه اصطلاحات

پیشگفتار

«تربیت دینی» و «آسیب‌شناسی تربیت دینی» از جمله موضوعاتی‌اند که همواره توجه عالمان و اندیشمندان دینی و کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت دینی را به خود جلب کرده‌اند؛ این مسئله در کشور ما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و به‌ویژه در دو دهه ۱۳۸۰ و ۱۳۹۰، بیشتر از زمان‌های دیگر، محل بحث و گفتگو بوده است؛ با وجود این، به نظر می‌رسد هنوز چنان‌که باید و شاید این مهم واکاوی و بررسی نشده است. دستیابی به آرمان‌های والای انقلاب اسلامی، به‌ویژه در حوزه تربیت نسلی بهره‌مند از دینداری حقیقی، نیازمند اهتمام بیشتر متصدیان و مسئولان فرهنگی و تربیتی کشور و نیز عالمان و اندیشمندان و مراکز علمی و تربیتی کشور است.

آسیب‌شناسی تربیت دینی، به معنای شناخت نشانگان آسیب‌مندی و عوامل گوناگون مؤثر در پدیدایی آسیب‌هاست که خود زمینه‌ها و بسترهای لازم را برای شناخت راهکارهای مؤثر در کارآمدسازی هرچه بیشتر و بهتر تربیت دینی می‌گشاید. این مسئله از دو منظر امکان‌پذیر است؛ نخست، از منظر درون دینی به معنای مطالعه دقیق منابع و متون دینی به منظور استخراج تعالیم و گزاره‌های مرتبط با بحث و سپس، نظام‌دهی و تحلیل آنها و دوم، از منظر عملی و با نگاه به وضعیت تحقق یافته و موجود تربیت دینی در سطح جامعه و به‌ویژه در مراکز آموزشی و تربیتی. بدیهی است که نمی‌توان به یکی از دو منظر یاد شده اکتفا کرد و چاره‌ای جز مطالعه هر دو منظر یاد شده نیست، اما در این نیز تردیدی نیست که منظر نخست (مطالعه درون دینی و از منظر متون و منابع دینی)، بر منظر دوم ترجیح دارد؛ زیرا این مطالعه در حقیقت به معنای فهم دقیق تربیت دینی است؛ تربیتی که باید به کار بسته شود.

آنچه در پیش روست، گوشه‌ای از تلاشی است که نگارنده، در زمانی که به نگارش پایان‌نامه مقطع کارشناسی ارشد خود در دفتر همکاری حوزه و دانشگاه - که اکنون به پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تغییر نام یافته است - مشغول بود، فراهم آورد و البته با بازخوانی و بازبینی مجدد و با افزوده‌های بیشتری برای چاپ به گروه علوم تربیتی پژوهشگاه ارائه کرد. خوشبختانه گروه علوم تربیتی نیز با گشاده‌رویی و البته با رعایت معیارها و مقررات علمی، به ارزیابی پرداخت. ارزیابان با دقت درخور تحسین، نکات مهمی در راستای اعتباربخشی بیشتر و تکمیل کار پیشنهاد دادند که بیشتر آنها به کار گرفته شد.

بنابراین آموزه ارزشمند دینی که فرمود: *من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق*، نگارنده بر خود بایسته می‌داند از همه کسانی که از اندیشه‌ها و نظریات آنها در این پژوهش بهره برده است، به‌ویژه استادان معزز آیت‌الله علیرضا اعرافی، دکتر عبدالعظیم کریمی و حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر صادق‌زاده قمصری که در زمان نگارش پایان‌نامه از آنها در مقام راهنمایی، مشاوره و داوری بهره گرفت و نیز داورانی که از سوی گروه تعیین شدند و نیز مدیر محترم گروه علوم تربیتی، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد داوودی، به سبب سهم وافری که در پیشرفت و آماده‌سازی این پژوهش داشته‌اند، تشکر و قدردانی کند.

پیشاپیش از همه صاحب‌نظران و علاقه‌مندانی که با پذیرش زحمت خواندن این اثر، انتقادهای و دیدگاه‌های ارزشمند خود را برای نگارنده ارسال کنند، تشکر و قدردانی می‌کنم.

توفیقی اگر هست از خداست

فصل اول

کلیات

مقدمه

اصطلاح «تربیت دینی»، از جمله اصطلاحاتی است که به‌ویژه در سال‌های اخیر در گفتارها و نوشتارها، فراوان به کار رفته و معانی متفاوت و گوناگونی از آن اراده شده است؛ تنوع و تفاوت در تعریف تربیت دینی، گذشته از تنوع و تکثر معنایی دو واژه تربیت و دین، به این دو در شکل ترکیبی آن؛ یعنی «تربیت دینی» بازمی‌گردد.

ضرورت و اهمیت ایضاح مفهومی این اصطلاح و تعیین معنای مورد نظر، از آن‌روست که بدون این مهم، نه تنها قلمرو و دامنه بحث مبهم و نامعلوم می‌ماند، بلکه راه را بر منازعه‌ها و مشاجره‌های بیشتر می‌گشاید؛ به‌ویژه که از جمله علل آسیب‌پذیری تربیت دینی (همچنان که در آینده توضیح خواهیم داد) همین ابهام مفهومی است و تا ابهام‌زدایی معنایی صورت نگیرد، در عمل نیز نمی‌توان به ثمربخشی و موفقیت این فرایند خطیر و مهم امیدوار بود. از این‌رو، کوششی هرچند مختصر در تبیین مفهومی واژگان یاد شده و تعیین معنای مورد نظر از اصطلاح تربیت دینی ضروری است.

بیان مسئله

«تربیت دینی» و «آسیب‌شناسی تربیت دینی»، از جمله مباحثی است که قدمت دیرینه‌ای در جوامع انسانی دارند و در گذر زمان بر اهمیت و قوت آنها افزوده شده است. «آسیب‌شناسی تربیت دینی»، به معنای شناخت علل و عواملی است که فرایند تربیت دینی را با دشواری و چالش‌ها مواجه ساخته و دستیابی به اهداف و مقاصد تربیت دینی را ناکام می‌سازند؛

محصول این شناخت، شناسایی راهکارها و روش‌هایی است که فرایند تربیت دینی را تقویت کرده و آن را کارآمدتر می‌کنند. طبیعی است که برای دینداران و جوامع دینی، همانند جامعه ما، این مباحث اهمیت بسیاری دارند؛ زیرا تربیت دینی نه تنها از رسالت‌ها و مأموریت‌های دولت اسلامی است، بلکه از وظایف خطیر هر خانواده و نیز هر فرد مسلمان است. این آسیب‌شناسی به دو صورت می‌تواند انجام گیرد؛ نخست، مطالعه وضعیت عینی و خارجی و تحقق‌یافته فرایند تربیت دینی است که با روش‌های میدانی و سنج‌های تجربی انجام می‌شود؛ و دوم، مطالعه و تأمل در آموزه‌ها و گزاره‌هایی است که در متون و منابع دینی در قالب هشدارها و تبیین عوامل آسیب‌زا و خطرآفرین برای دینداری و تربیت دینی برای پیروان یک دین، ارائه شده‌اند. تأملی اندک در متون و منابع اسلامی، اعم از قرآن و منابع حدیثی و روایی معتبر ما را با انبوهی از گزاره‌ها مواجه می‌سازد که ناظر به آسیب‌شناسی دینداری و تربیت دینی است و گاه با پیشنهاد و ارائه راهبرد و روش صیانت از دین و تربیت دینی همراه است.

روشن است که برای آسیب‌شناسی دقیق تربیت دینی، هر دو صورت و هر دو روش یاد شده لازم و ضروری‌اند، هم نیازمند مطالعات میدانی و عینی در این خصوص هستیم و هم لازم است که تأملی ژرف و عمیق در متون اسلامی داشته باشیم و گزاره‌های ارزشمندی را که دلالت (تطابقی، تضمینی و استقرائی) بر آسیب‌ها دارند، استخراج کرده و تحلیل و واکاوی کنیم.

جامعه ایران، به‌ویژه جامعه پس از انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، جامعه‌ای دینی بوده و هست که در آن تربیت دینی کودکان و نوجوانان بهره‌مند از اهتمام جدی است؛ نگاهی به انبوه کتاب‌ها، مقالات و پژوهش‌هایی که به‌ویژه در دو دهه اخیر نگاشته شده‌اند این اهتمام و علاقه‌مندی و دغدغه را به خوبی آشکار می‌سازد؛ با وجود این، بیشتر پژوهش‌ها و نگاشته‌هایی که در این خصوص وجود دارند، از منظر بیرونی و تحلیل وضعیت عملی تربیت دینی انجام یافته‌اند که هرچند در آنها از برخی گزاره‌های دینی ناظر به موضوع بحث بهره گرفته شده، اما با محوریت نگاه درون دینی نبوده‌اند؛ برخی پژوهش‌ها نیز که نگاه درون دینی داشته‌اند، نگاه جامع به همه اجزای اصلی فرایند تربیت دینی ندارند و عمیق و همه‌جانبه این مهم را به انجام نرسانده‌اند؛ از این‌رو، انجام پژوهش‌هایی دقیق و جامع با نگاه درون دینی ضرورت و اهمیت فراوانی دارند. این پژوهش گامی است در این راستا و از این منظر.

سؤالات اصلی و فرعی

آسیب‌شناسی تربیت دینی، به مانند آسیب‌شناسی هر موضوع دیگر، دارای دو بعد اساسی است؛ نخست، شناخت دقیق آسیب‌ها و به بیان دیگر، ابعاد آسیب‌مندی تربیت دینی و دوم، شناخت علل و عواملی که موجب پدیدآیی این آسیب‌ها شده‌اند. از این رو، دو سؤال اصلی این پژوهش عبارت‌اند از:

۱. مهم‌ترین ابعاد آسیب‌مندی تربیت دینی از منظر منابع اسلامی کدام‌اند؟

۲. مهم‌ترین علل و عوامل آسیب‌زا در فرایند تربیت دینی از منظر منابع اسلامی چیست؟ در راستای پاسخگویی به این دو پرسش، سؤالات دیگری نیز مطرح‌اند از جمله اینکه:

۱. ماهیت تربیت دینی چیست؟

۲. اصول و قواعد تربیت دینی کدام‌اند؟

۳. مهم‌ترین نشانه‌های آسیب‌مندی تربیت دینی کدام‌اند؟

۴. مهم‌ترین زمینه‌ها و بسترهای آسیب‌زا در تربیت دینی کدام‌اند؟

روش تحقیق

برای دستیابی به پاسخ‌های مورد انتظار، این دو سؤال بر قرآن و منابع معتبر حدیثی و روایی (که نام آنها در فهرست منابع آمده) عرضه شدند و گزاره‌هایی مرتبط با آنها استخراج شده و تجزیه و تحلیل (در سطح دانش محقق) قرار گرفتند؛ بر این اساس، روش تحقیق حاضر روش توصیفی-تحلیلی، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای است.

با توجه به ماهیت دین و دینداری (که توضیح آن در فصل نخست خواهد آمد)، کمتر گزاره‌ای از متون دینی می‌توان یافت که به نحوی با دین و دینداری و از این رو، با آسیب‌شناسی تربیت دینی مرتبط نباشد؛ بر این اساس، کار استخراج گزاره‌های مرتبط با آسیب‌شناسی تربیت دینی، کار ساده‌ای نیست؛ با وجود این کوشش شد تا گزاره‌هایی که مستقیم و در نگاه اول، ناظر به آسیب‌شناسی فرایند تربیت دینی‌اند، از منابع معتبر استخراج شوند. روشن است که برحسب تعریف‌ها و دیدگاه‌های دیگر، متفاوت از خوانش پژوهشگر از آسیب‌شناسی تربیت دینی است که می‌توان گزاره‌های دیگری استخراج کرد یا تحلیل‌های دیگری از گزاره‌هایی که حتی در این پژوهش از آنها استفاده شده‌اند ارائه داد. در هر حال، از جمله مشکلات و تنگناهای پژوهش‌هایی،

مانند پژوهش حاضر، توافق بر سر مفاهیم و مدل‌های گزاره‌هاست؛ که در این پژوهش سعی شده تا با مشورت با صاحب‌نظران و براساس پژوهش‌های موجود، تا حدی این مشکل برطرف شود.

ساختار پژوهش

از آنجا که در هر پژوهشی نخست باید مفاهیم و اصطلاحات کلیدی بحث روشن شوند، در فصل اول کوشش شده تا افزون بر این مهم، اهمیت آسیب‌شناسی تربیت دینی از منظر متون اسلامی روشن شود. از آنجا که آسیب‌ها خود نشانه‌ای از انحراف از هنجارها و معیارها و ضوابط‌اند در فصل دوم کوشش شده تا اصول و قواعد تربیت دینی که به‌مثابه معیارها و هنجارها در فرایند تربیت دینی‌اند، از منظر متون اسلامی استخراج و بحث و بررسی شوند. بدیهی است که بحث تفصیلی از اصول و قواعد تربیت دینی خود پژوهشی مستقل می‌طلبد؛ با وجود این، در این پژوهش سعی شده تا مهم‌ترین این اصول در قالب هفت مبحث با تبیین مفهومی هر اصل و نیز گستره و قلمرو برخی شواهد ناظر بر آن در متون اسلامی استخراج و به بحث گذاشته شوند. سپس در فصل سوم از نشانه‌های آسیب‌مندی تربیت دینی از منظر متون اسلامی بحث شده است. این نشانگان ناظر به این هستند که تربیت دینی از مقاصد و اهداف خویش دور مانده و فرایند آن دارای قوت و درستی لازم نیست که این خود می‌تواند ناشی از زمینه‌های آسیب‌زا (فصل چهارم) با روش‌های آسیب‌زا (فصل پنجم) باشد. زمینه‌های آسیب‌زا نیز با توضیحی که خواهد آمد، می‌تواند ماهیت و گستره وسیعی، اعم از فردی و وراثتی، غیرفردی، محیطی، درونی و بیرونی و عام (ناظر به همه ابعاد تربیت) و خاص (ویژه تربیت دینی) داشته باشد. فصل پنجم، اختصاص به آسیب‌شناسی مهم‌ترین روش‌های تربیت دینی دارد که در آن هشت روش آسیب‌شناسی شده‌اند.

مبحث اول: تربیت؛ معناشناسی و ویژگی‌ها

۱. مفهوم‌شناسی تربیت

فراوانی تفسیرها و برداشت‌های ارائه شده از واژه تربیت به اندازه‌ای است که به گفته گاستون میالاره - که در باب معناشناسی و تعیین حدود علوم تربیتی زحمت بسیار کشیده و کتابی ارزشمند در این باره نگارش و تدوین کرده است - دستیابی به معنای جامعی از این واژه بسیار دشوار است.^۱

تربیت، واژه‌ای عربی است که در زبان فارسی نیز کاربرد فراوانی حتی بیش از معادل‌های فارسی خود، یعنی کلمات «پرورش» و «آموزش و پرورش» دارد. درباره ریشه این واژه، سه احتمال داده شده است: نخست، آنکه تربیت از ریشه «رَبَوَ» به معنای زیادت و فزونی است؛ از این رو تربیت به معنای فراهم آوردن موجبات رشد جسمی فرد، یعنی تغذیه و پرورش جسمی اوست؛^۲ دوم، آنکه ریشه تربیت، «رَبَبَ» است که در شکل ادغام شده آن به صورت «رَبَّ» به کار می‌رود؛ در این معنا، تربیت به معنای مراقبت و سرپرستی نیکو از فرد تا گذراندن دوران طفولیت و ورود به دوره بزرگسالی است؛^۳ و احتمال سوم، ریشه تربیت، «رَبَّأَ» است؛ که به معنای اشراف و مراقبت و نظارت نزدیک بر فرد است.^۴

آنچه از این ریشه‌یابی حاصل می‌آید آن است که «تربیت» گرچه ناظر به فراهم آوردن موجبات رشد جسمی بدن است و در وهله نخست به‌ویژه در ارتباط با کودکان، بیشتر این معنا به ذهن خطور می‌کند، اما اختصاصی به آن ندارد و دیگر ابعاد وجودی انسان در همه مراحل عمر را نیز پوشش می‌دهد. واژگان دیگری در زبان عربی وجود دارند که بیشتر ناظر به تربیت انسان در ابعاد اخلاقی، معنوی و اجتماعی‌اند، مانند واژگان تزکیه و تأدیب، اما واژه تربیت امروزه کاربرد گسترده‌تر و بیشتری دارد.

معادل انگلیسی واژه تربیت، Education است که خود در تغذیه جسمی و نیز مراقبت در امر پرورش روحی نیز به کار می‌رود؛ ریشه‌یابی این کلمه نیز حکایت از آن دارد که این کلمه در

۱. میالاره، معنی و حدود علوم تربیتی، ص ۳.

۲. زبیدی، تاج‌العروس، ذیل ماده رب، و نیز ابن‌فارس، ترتیب مقایس اللغه، ص ۳۶۱.

۳. ابن‌منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۴۰۱.

۴. زمخشری، اساس البلاغه، ج ۱، ص ۱۴۶.

آغاز بیشتر در تربیت جسمی و تغذیه کودک (پروراندن او و بیرون کشیدن او از حالت کودکی) و سپس در تربیت روحی (به معنای مراقبت در امر پرورش روح آنان و آموختن علوم و عادات نیک به آنان) به کار رفته است.^۱

معادل فارسی واژه تربیت، «آموزش و پرورش» است. در ابتدا، بیشتر و به غلط تنها کلمه «پرورش» معادل این واژه به کار رفته و همین امر خود موهم تفکیک امر آموزش از تربیت شده و آسیب‌های بسیاری را متوجه آموزش و پرورش ما ساخته است که آثار آنها همچنان باقی‌اند.^۲

گذشته از معنای لغوی، صاحب‌نظران و اندیشمندان علوم تربیتی، معانی اصطلاحی بسیاری برای واژه تربیت بیان کرده‌اند که خود حکایت از نوع نگرش و برداشت و بینش آنها نسبت به انسان و نیز ارزشمندی و گستره و نحوه فرایند تربیت دارد. برخی از این تعریف‌ها عبارت‌اند از:

– تربیت، عملی است که نسل‌های بزرگ‌تر بر روی نسل‌هایی که هنوز برای زندگی اجتماعی پخته نیستند، انجام می‌دهند، به این منظور که در آنها شماری از حالت‌های جسمانی، عقلانی و اخلاقی را برانگیزند و پرورش دهند که جامعه و محیط ویژه‌ای که فرد به نحو خاصی برای آن آماده می‌شود، اقتضا می‌کند.^۳

– تربیت، عمل عمدی فردی رشید است که می‌خواهد رشد را در فردی که فاقد، ولی قابل (پذیرنده) آن است تسهیل کند. تربیت سرپرستی از جریان رشد؛ یعنی اتخاذ تدابیر مقتضی جهت فراهم ساختن زمینه مساعد برای رشد است.^۴

– بروز دادن و به فعلیت رساندن استعدادهای ذاتی موجودات، تربیت نامیده می‌شود.^۵

– اکتساب مهارت‌ها و معرفت (دانش)، تربیت نام دارد.^۶

– تربیت، آشنا کردن فرد با مقررات اجتماع است.^۷

۱. میالاره، معنی و حدود علوم تربیتی، ص ۲-۳.

۲. ر.ک: کریمی، آموزش به‌مثابه پرورش، گفتار نخست.

۳. دورکیم، تربیت و جامعه‌شناسی، ص ۴۸.

۴. شکوهی، تعلیم و تربیت و مراحل آن، ص ۶.

۵. اسدی گرمارودی، درس‌هایی از تربیت انسانی: تعلیم و تربیت اخلاق و خودسازی، ص ۱۵.

6. Elizabeth, Ashton, Religious Education in the early years, p10.

7. Ibid.

– فراگیری رعایت زیبایی، حقیقت، دیگران، محیط و خویشتن، علمی است که از آن به تربیت یاد می‌شود.^۱

– تربیت تلقین [امور و معارف] به دیگران است.^۲

...و

با ملاحظه این تعریف‌ها و تعریف‌های دیگری که در مقالات و کتاب‌های علوم تربیتی آمده‌اند، می‌توان به وضوح دریافت که امکان به دست دادن یک تعریف از تربیت که از سوی همگان پذیرفته شده باشد وجود ندارد؛ اما به نظر می‌رسد می‌توان از این تعریف‌ها و توضیحاتی که پیرامون آنها داده شده، عناصر و ویژگی‌های اساسی «تربیت» را به دست آورد و از این طریق، به فهم معانی واقعی و کامل تربیت نزدیک شد.

۲. خصائص و ویژگی‌های تربیت

الف) تربیت، نوعی تأثیرگذاری ویژه است؛ این تأثیرگذاری بیشتر به لحاظ موضوع و پذیرنده آن (مترقی)، اساساً با تأثیرگذاری‌های دیگری که در صنعت یا پرورش گیاهان یا تعلیم دادن و دست‌آموز کردن حیوانات انجام می‌شود، تفاوت دارد. ماهیت انسان به‌عنوان موضوع تربیت، با نباتات، حیوانات و جمادات متفاوت است؛ از این‌رو، نوع عملیات و فعالیت‌هایی که در تربیت انجام می‌شوند، تمایز ماهوی با آنچه در صنعت و کشاورزی و تعلیم حیوانات انجام می‌شود، دارند و درست به همین جهت است که تربیت هیچ‌گاه معادل شرطی‌سازی، شکل‌دهی و صنعت نیست.^۳

ب) این تأثیرگذاری نه تنها یک بعد که همه ابعاد را زیر پوشش قرار می‌دهد؛ ممکن است برای سهولت و تبیین هرچه بیشتر و دقیق‌تر مسائل از تربیت اجتماعی، تربیت اخلاقی، تربیت عاطفی انسان و موارد دیگر سخن بگوییم، ولی به لحاظ آنکه انسان یک کلّ به هم پیوسته است و همه ابعاد او درهم تنیده‌اند و ساختار وجودی واحدی دارد، هر نوع کوششی که در یک بعد از ابعاد او به عمل آید، بر دیگر ابعاد و ساحت‌های او نیز تأثیر دارد.

ج) تربیت، تأثیرگذاری عمیق و ماندنی بر روح و روان انسان است؛ هر فعالیتی را که چنین

1. Ibid.

2. Ibid.

۳. ر.ک: کریمی، تربیت آسیب‌زا و نیز شهید مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام.

تأثیری نداشته باشد، نمی‌توان به تربیت تفسیر کرد؛ گرچه ممکن است در فرایند تربیت به نوعی، از آن فعالیت یاری گرفته، ولی یکسان‌انگاری تربیت با آن فعالیت امر درستی نیست. به همین جهت است که نمی‌توان تربیت را با تبلیغ یکسان دانست و تبلیغ را به تربیت آدمی تفسیر کرد، گرچه در مسیر تربیت آدمی از تبلیغات^۱ نیز که بیشتر احساسات و عواطف آدمی را - آن هم بیشتر در کوتاه‌مدت تحت تأثیر قرار می‌دهد - استفاده می‌شود.

د) «تربیت» عملی است که با معیارها و ملاک‌های ارزشی سنجیده می‌شود؛ این معیارها هم در ترسیم و تبیین غایات و اهداف تربیت و هم در تعیین محتوای تربیت نقش مؤثری ایفا می‌کنند؛ افزون بر این، تجویز برنامه‌ها و حتی نوع روش‌های تربیتی نیز وابسته به نوع معیارهای ارزشی پذیرفته شده در فرایند تربیت است و در حقیقت با توجه به این معیارهاست که نمی‌توان هرگونه روش، محتوا و غایتی را تربیتی به شمار آورد؛ هرچند غایت و هدفی تربیتی برای آن تصور شده باشد، ولی چون به لحاظ ارزشی پذیرفته نیست، ضد تربیتی به شمار می‌آید.

پیترز، از فیلسوفان تعلیم و تربیت، در این زمینه می‌نویسد: «تعلیم و تربیت به‌طور ضمنی دلالت دارد به اینکه چیزی ارزشمند، با قصد و نیت و به شیوه‌ای متعارف و قابل قبول در حال اجراست».^۲

بدیهی است که این ملاک‌ها نزد هر گروه و جمعیتی یکسان نیستند و به تبع فرهنگ، آداب و رسوم، دین، اخلاق و جهان‌بینی مقبول هر جامعه با یکدیگر متفاوت‌اند. به همین جهت است که ارزش‌های مکتب تربیتی اسلام، با آنچه در تربیت یهودی تجویز می‌شود، متفاوت‌اند. این سخن به معنای آن نیست که نتوان از معیارهای عام و جهان‌شمول در تربیت سخن گفت، بلکه مقصود بیان تفاوت مکاتب تربیتی در برخی ارزش‌دواری‌های خود است.

ه) تأثیرگذاری مورد نظر در فرایند تربیت، بیشتر عمدی و ارادی است که با لحاظ اهداف و غایات تربیتی انجام می‌گیرد. این امر به معنای نادیده انگاشتن تأثیرهای ناخواسته‌ای نیست که در جریان تربیت وجود دارند و پیامدها و عوارض آن، چه بسا بیشتر از تأثیرهای خواسته شده و ارادی هستند. شکی نیست که فرایند تربیت به‌عنوان یک فرایند انسانی - اجتماعی، پیامدها و تأثیرهای ناخواسته‌ای نیز دارد و به همین جهت، متولیان امر خطیر تربیت، موظف به پیش‌بینی و

1. propaganda

۲. بارو و وودز، درآمدی بر فلسفه آموزش و پرورش، ص ۲۴.

کاهش این گونه تأثیرهایند؛ ولی ادعای ما این است که این گونه تأثیرها را نمی‌توان مانند تأثیرهای زمان و مکان تأثیراتی تربیتی - ناشی از تربیت (به مفهوم یاد شده) - دانست. البته عمدی و ارادی بودن تأثیرگذاری در فرایند تربیت هیچ‌گاه لزوماً به معنای استفاده از روش‌های مستقیم در فرایند تربیت نیست؛ فرایند تربیت همچنان که می‌تواند مستقیم و محسوس و ملموس (عینی) باشد، می‌تواند به شکل غیرمستقیم و نامرئی نیز انجام گیرد.

(و ماهیت این تأثیرگذاری برحسب سنین عمر آدمی متفاوت است؛ انسان برحسب اینکه در کدام مرحله سنی قرار داشته باشد، پذیرش بهتر و بیشتر، یا کمتر و ناقص‌تری خواهد داشت؛ به سخن دیگر، وقتی از تربیت، به تأثیرگذاری تفسیر می‌شود، نباید این گونه پنداشت که انسان - یعنی تأثیرپذیرنده - موجودی صرفاً منفعل است؛ توانایی‌ها و قابلیت‌های فکری و روحی و جسمی انسان، اعم از ذاتی یا اکتسابی، میزان این تأثیرگذاری را رقم می‌زنند؛ به همین جهت، گرچه در مرحله‌ای از عمر و بیشتر در دوران کودکی می‌توان با روش‌های تلقینی، یا عادت دادن، تأثیرگذاری عمده‌ای بر شخصیت و روان آدمی داشت، ولی این روش‌ها در جوانی و میانسالی کاربرد چندانی ندارند.

(ز) آخرین نکته در توضیح ویژگی‌های تربیت این است که، اگر نه ضرورتاً، ولی غالباً جریان تربیت از سوی کسی انجام می‌گیرد که به لحاظ سنی و عقلی در مرتبه بالاتری از مرتبه قرار دارد. حال با توجه به نکات یاد شده، می‌توان تربیت را به «فرایند تأثیرگذاری عمدی، عمیق و همه‌جانبه بر انسان تعریف کرد که با محتوا و روش‌های مطلوب در جهت دستیابی به اهداف و غایات مورد نظر صورت می‌گیرد و برحسب اینکه نسبت به کدام بعد از ابعاد آدمی - به لحاظ نکته دوم - صورت گیرد، تربیت اخلاقی، اجتماعی، جسمی و... محقق می‌شود».

۳. واژگان ناظر به تربیت در متون اسلامی

پیشتر گفته شد واژه‌ای که امروز برای فرایند تربیت به معنای یاد شده در زبان عربی فراوان کاربرد دارد، واژه تربیت است؛ ولی چنان نیست که در زبان عرب تنها از این واژه، استفاده شود. در متون اسلامی نیز که حاوی کلمات و واژگانی است که عرب‌ها قرن‌ها پیش از این به کار می‌برده، واژگان بسیاری به کار رفته که هر یک دست‌کم بر بخشی از فرایند تربیت دلالت دارد. «تربیت» در متون اسلامی بیشتر ناظر به همان پرورش و فزونی و نمو جسمی است. برای نمونه، در دو آیه شریفه ۱۸ سوره شعراء و آیه ۲۴ سوره اسراء می‌خوانیم:

– «قَالَ أَلَمْ نُزَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَ لَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ» [فرعون] گفت: [ای موسی] آیا ما تو را در کودکی در میان خود بزرگ نکردیم و سالیانی چند از عمر خود را در میان ما درنگ نکردی؟»

– «وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»؛ و برای هر دو از روی مهر و محبت، بال فروتنی فرود آر و بگو: پروردگارا! آنان را به پاس آنکه مرا در کودکی بزرگ کرده‌اند رحمت کن.»

روشن است که آنچه بیشتر از تربیت در این دو آیه مراد است، همان بزرگ کردن کودک، یعنی بیرون آوردن او از خردسالی و همان رشد و نمو است، برای ورود به دوره بزرگسالی.

در روایتی آمده است که بکر بن صالح می‌گوید: «کتبتُ إلى أبي الحسن الثاني (علیه السلام): إني اجتنبت طلب الولد خمس سنين و ذلك ان أهلي كرهت ذلك و قالت: انه يشهد على تربيتهم لقله الشيء فما تری؟ فكتب (علیه السلام): اطلب الولد، فان الله يرزقهم؛^۱ نامه‌ای به امام حسن عسکری (علیه السلام) نوشتم که مدت پنج سال است که از فرزندآوری دوری جسته‌ام؛ زیرا همسر من به این امر نمی‌دهد و می‌گوید به سبب کمی درآمد (و نداشتن مال) تربیت فرزندان برای من دشوار است. نظر شما در این باره چیست؟ حضرت (علیه السلام) در جواب من نوشت: درخواست فرزند کن؛ چرا که در حقیقت این خداوند است که روزی رسان آنهاست.

در دعای امام سجاده (علیه السلام) نیز می‌خوانیم: «اللهم و منَّ علی بقاء ولدی و باصلاحهم لی... و ربَّ لی صغیرهم و أعنی علی برهم و تربیتهم و تأدیبهم؛^۲ خدایا، به من منت گذار در باقی ماندن فرزندانم و اصلاح آنها... و خردسالانشان را پیروان و مرا بر نیکی کردن به فرزندانم و تربیت و تأدیب آنها یاری کن.»

این نمونه‌ها شاهی بر این هستند که واژه «تربیت» در متون اسلامی معنایی کاملاً مترادف با آنچه امروزه از این واژه قصد می‌شود، ندارد؛ از این‌رو، باید در جستجوی واژگان دیگری باشیم که مقصود مورد نظر ما را می‌رسانند؛ برخی از این واژگان عبارت‌اند از: تعلیم، تزکیه، تأدیب، هدایت و... .

با فرض اینکه تبلیغ احکام، تعلیم و تزکیه و حتی تأدیب، جزئی از جریان هدایت بشر هستند

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۴، ص ۸۴، ح ۴۳.

۲. امام سجاده (علیه السلام)، صحیفه سجاده، دعای ۲۵.

و می‌توان آنها را روش یا مرحله‌ای از مراحل تربیت انسان دانست، می‌توان گفت: واژه «هدایت»، گستردگی معنایی بیشتری نسبت به واژگان دیگر دارد و واژگان دیگر ناظر به نوعی فعالیت در فرایند هدایت انسان‌اند. به‌علاوه، معنای هدایت به خصائص و ویژگی‌هایی که برای عمل تربیت بیان کردیم بیشتر نزدیک است. از این‌رو، می‌توان همراه برخی صاحب‌نظران،^۱ تربیت اسلامی را مترادف با هدایت دانست؛ با این توضیح که هدایت پیامبران و ائمه از نوع «هدایت تشریحی» است و آنچه پس از ایشان از سوی مربیان شایسته انجام می‌گیرد، در حقیقت تأسی به شیوه انبیا و امامان در پرورش اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و روحی و معنوی انسان است. بدیهی است چنان‌که هدایت تشریحی تنها حوزه اخلاقی یا عبادی انسان را شامل نمی‌شود و حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، شغلی و... را دربرمی‌گیرد، هدایتی که مربیان اسلامی نیز انجام می‌دهند عام و فراگیر خواهد بود.

۴. تربیت؛ فرایند یا نهاد؟

نکته مهم دیگری که در مباحث تعلیم و تربیت دینی و آسیب‌شناسی آن، توجه به آن ضروری و لازم است، تمایز نهادن میان فرایند تربیت و نهاد تربیت است؛ وقتی از تعلیم و تربیت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی سخن می‌گوییم، منظور بخشی از جامعه است که عهده‌دار تربیت کودکان، نوجوانان و جوانان جامعه در سطوح مختلف است که خود شامل نهاد رسمی و به‌ویژه دولتی آن و نهادهای غیررسمی و برای نمونه خانواده، می‌شود: البته در یک جامعه دینی، مانند جامعه ما، وظیفه نهاد تعلیم و تربیت به‌ویژه آموزش و پرورش رسمی، تنها تربیت دینی به معنای اخص آن، که در سطرهای آینده خواهد آمد، نیست، بلکه وظیفه‌ای بسیار گسترده‌تر از آن را بر عهده دارد. اما فرایند تربیت، جریانی است مستمر با ویژگی‌های خاصی که پیش از این بدان اشاره کردیم؛ این فرایند در هر یک از نهادهای رسمی و غیررسمی تربیتی جریان دارد. از این‌رو، آسیب‌شناسی تربیت دینی می‌تواند گاه ناظر به نهاد تعلیم و تربیت باشد و گاه ناظر به فرایند تربیت دینی؛ اعم از اینکه در خانواده انجام گیرد، یا در مدرسه، یا در دیگر نهاد جامعه. پژوهش در هر یک از این دو محور کاری است بس ارزشمند؛ اما آنچه در این پژوهش مورد نظر است، بیشتر به محور دوم، یعنی فرایند تربیت دینی ناظر است.

۱. در این زمینه ر.ک: شریعتمداری، تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۴۲.

مبحث دوم: دین

۱. مفهوم‌شناسی دین

دین، واژه‌ای عربی است که کاربرد فراوانی در زبان فارسی دارد. از نظر لغوی معانی متعددی برای این واژه بیان شده است که از جمله آنها می‌توان به انقیاد، اطاعت، فروتنی، حساب و جزا، تعبد و مملوکیت اشاره کرد؛^۱ برخی کوشیده‌اند با تتبع در موارد کاربرد این واژه، معنای اصلی و ریشه‌ای آن را بیابند و دیگر معانی را در پرتو آن تفسیر کنند. برای نمونه، یکی از محققان، مصطفوی پس از بیان معانی مختلف این واژه، «خضوع و انقیاد در برابر برنامه یا مقررات معین» را معنای اصلی این واژه می‌داند و نه صرف خضوع و انقیاد را؛ در نتیجه، از لوازم این معنا، ذلت یا عزت، حصول تعبد، پاداش و جزا، اطاعت و معصیت است. به دیگر سخن، بسته به اینکه تسلیم و پذیرش برنامه، یا مقررات معین، چگونه و به چه میزان واقع شوند، اطاعت و معصیت بوده و از این رو، عزت و ذلت پدید آمده و نیز پاداش و عقاب حاصل می‌آید.^۲

اما از نظر اصطلاحی، با نگاه به نوشته‌های موجود، می‌توان انبوهی از معانی را برای این واژه یافت که گاه به سختی با هم سازگاری یا مشابهت دارند. دشواری یک تعریف جامع از دین، به لحاظ ابعاد مختلفی است که در تفسیر و توضیح این واژه مورد نظر صاحب‌نظران بوده است. برخی از این ابعاد عبارت‌اند از:

۱-۱. مبنا و مأخذ دین

از نظر برخی، «الهی و ماورائی بودن»، هرگز عنصری ساختاری در دین نیست؛ از این رو، حتی بر مجموعه ایده‌های بشری نیز هرچند مقبولیت الهی نداشته باشند نیز می‌توان عنوان دین را اطلاق کرد. تعریف‌هایی چون: «تجلی جمعی از ارزش‌های انسانی»، «تعقیب مشتاقانه و صادقانه یک هدف» و «نظام ارزش‌ها یا گزینش‌ها با یک نظام ارزشی استنباطی»^۳ از این دست تعریف‌هایند. از این نظر، تعریف‌های دین به قدری گسترده می‌شوند که به قول آر.ام. توماس «نه تنها نظام‌های اعتقادی مثل مسیحیت، اسلام و آیین هندو را دربر می‌گیرد، بلکه نظام‌های

۱. الخوری الشرتونی اللبناني، اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد، ج ۱، ص ۳۶۲ و ابن فارس، ترتیب مقایس اللغة، ص ۳۴۲.

۲. مصطفوی، التحقیق حول کلمات القرآن الکریم، ص ۲۸۷-۲۹۱.

۳. آر.ام. توماس، «تربیت دینی»، معرفت، ش ۳۳، ص ۲۲.

کمونیستی، مردم‌سالاری (دموکراسی)، اثبات‌گرایی (پوزیتیویسم) و حتی هرج و مرج طلبی (فاشیسم) را نیز شامل می‌شود.^۱ در نقطه مقابل، کسانی که دین را دارای منشأ الهی می‌دانند، تعریف دین را به گونه‌ای ارائه می‌دهند که تنها شامل ادیان توحیدی می‌شود.

۱-۲. ماهیت و هویت دین

در باره جوهر و حقیقت دین نیز اختلاف نظر فراوانی وجود دارد. برخی دین را مجموعه‌ای از اعتقادات و باورها می‌دانند؛ برخی دیگر آن را نوعی شور و حال عاطفی و از مقوله احساسات می‌شمرند؛ برخی دیگر نیز دین را نوعی تجربه درونی و فردی از نیروهای ماوراءالطبیعی می‌دانند؛ کسانی هم دین را نوعی تلقی و نگرش انسان نسبت به جهان تعبیر می‌کنند؛ از نظر شماری دین همان اخلاقیات است و برخی آن را از مقوله ایمان به موجودات غیرمادی و معنوی یا نیازمندی و فقر مطلق تفسیر می‌کنند و سرانجام، برخی ترکیبی از امور یاد شده را در تعریف دین به کار گیرند.^۲ این همه، نشان‌دهنده اختلاف صاحب‌نظران در حوزه و ماهیت دین است.

۱-۳. گستره و قلمرو دین

در گسترده و قلمرو دین نیز وفاقی وجود ندارد؛ برخی دین را تنها در روابط فردی انسان با خداوند (یا نیروهای ماورای طبیعی) جستجو می‌کنند؛ برخی دیگر ارتباطات آدمی، از جمله ارتباط با طبیعت، ارتباط با هم‌نوعان و ارتباط با خویشتن را نیز از تحت سیطره دین خارج نمی‌دانند؛ حتی به زعم برخی، دین صرفاً محدوده روابط انسانی را سامان نمی‌بخشد، بلکه مجموعه ایده‌هایی در ارتباط با کائنات، ماهیت دانش و منابع حقیقی آن، و هدف زندگی (فرجام‌شناسی) و... را نیز دربر می‌گیرد.^۳

۱-۴. عناصر ساختاری دین

در خصوص عناصر ساختاری دین، نیز اتفاق نظری وجود ندارد؛ اما آنچه از نوشته‌های موجود و نیز با نظر به ادیان مختلف می‌توان استنباط کرد، این موارد هستند:

۱. همان‌جا.

۲. آلستون؛ بینگر و گلنهاوزن، دین و چشم‌اندازهای نو، ص ۱۹-۲۳.

۳. توماس، «تربیت دینی»، معرفت، ش ۳۳، ص ۲۲.

– **اعتقادات و باورها:** در هر دین، مجموعه‌ای از اعتقادات و باورها وجود دارند که البته نسبت به همه آنها لزوماً و به صراحت، دلیلی ارائه نشده است؛ اعتقاد به وجود خداوند (یا خدایان)، اعتقاد به وجود نیروهای ماورای طبیعی و موجوداتی نظیر فرشتگان، اعتقاد به وجود حیات و جهانی دیگر و اموری از این دست.

– **احساسات و عواطف:** احساسات و عواطف دینی بیانگر نوعی رابطه روانی میان فرد و آموزه‌ها و امور دینی‌اند؛ این احساسات که گاه حتی در دین با ستایش یا نکوهش مواجه می‌شوند و در قالب‌های حب، بغض، خوف، خشیت و... نمود می‌یابند. لازمه پذیرش یک باور و اعتقاد دینی نیز نوعی احساس و عاطفه نسبت به آن باور است؛ از این‌رو، احساسات و عواطف، جزء جدایی‌ناپذیر ساختاری دین هستند.

– **اعمال و رفتارهای ویژه:** سومین عنصر ساختاری دین، رفتارهایی هستند که مخاطبان و معتقدان هر دین باید بدانها پای‌بند باشند؛ بخش مهمی از این مشخصه، همان چیزی است که از آن به مناسک و آداب دینی تعبیر می‌شود و در قالب احکام و دستورهای دینی توصیه شده است.

با توجه به آنچه گفته شد، می‌توان دین – به‌طور کلی و نه یک دین خاص – را «مجموعه‌ای از عقاید و باورها و احساسات و عواطف و آداب و مناسک» دانست؛^۱ گرچه برخی دین را مجموعه‌ای متشکل از عقاید، ارزش‌ها و احکام می‌دانند و برخی دیگر از اعتقادات و دستورهای اخلاقی (سیر و سلوک آدمی با خویش و دیگر مردم) و تکالیف عملی (عبادات، معاملات و دیگر احکام) به‌عنوان سه جزء تشکیل‌دهنده دین نام می‌برند؛ اما تعریف ارائه شده جامعیت بیشتری دارد و چشم‌پوشی از عواطف و احساسات دینی به‌ویژه به‌عنوان یک جزء ساختاری دین، دست کشیدن از بخش بسیار مهم آموزه‌های دینی است، مگر اینکه تعریف ارزش‌ها به‌گونه‌ای باشد که این‌گونه عواطف و احساسات را نیز در برگیرد.

۱. نظیر این تعریف در کلمات صاحب‌نظران نیز یافت می‌شود؛ برای مثال، ویکتور موری، در تعریف خود از دین می‌نویسد: در دین چیزی هست که باید آموخت، چیزی هست که باید احساس کرد، چیزی هست که باید انتخاب کرد، چیزی هست که باید به‌جا آورد و چیزی هست که باید به آن تعلق گرفت (شپرو، آموزش و پرورش زنده، ص ۹۹). پترسون و همکارانش نیز با لحاظ ویژگی‌های متشکر ادیان (اعم از وحیانی بودن یا غیروحیانی)، دین را مجموعه‌ای متشکل از اعتقادات، اعمال و احساسات فردی و جمعی می‌دانند که حول مفهوم حقیقت غائی سامان می‌یابد (پترسون و دیگران، عقل و اعتقاد دینی، ص ۲۰).

ناگفته نماند که در تعریف یاد شده محتوا، قلمرو باورها و عقاید و نیز احساسات، عواطف، احکام و مناسک، مطلق بیان شده‌اند و با توجه به آنچه از آموزه‌های اسلامی در دست داریم، می‌توانیم قلمرو آنها را نه تنها همه شئون اسلامی، بلکه فراتر از آن، نسبت به کل هستی و جهان اخروی بدانیم.

۲. ابعاد دین و دینداری

مؤلفه‌ها و ویژگی‌هایی که در توضیح دینداری گفته شدند، ابعاد دین و دینداری را بر ما آشکار می‌سازند. در یک نگاه می‌توان دین را دارای دو بُعد ظاهری و باطنی دانست؛ توضیح سخن این است، از آنجا که دین مجموعه‌ای از اعتقادات و باورهاست و نظر به اینکه این‌گونه اعتقادات و باورها اموری قلبی و درونی‌اند و تا وقتی یک اندیشه درون انسان نهادینه نشود، نمی‌توان از اعتقاد آدمی به آن ایده سخن گفت از سوی دیگر نیز، احساسات و عواطف نیز هرچند ممکن است نمودهای بیرونی داشته باشند و در چهره و رخسار آدمی یا کیفیت اعمال و رفتار او ظهور و نمود یابند، اما بیشتر اموری درونی‌اند؛ در نقطه مقابل، اعمال و مناسک بیشتر جنبه ظاهری دین را شکل می‌دهند و دقیقاً این بخش از عناصر ساختاری دین است که دین را به شکل ملموس و محسوس، در پیشدید دیگران می‌نهد. نکته مهم در اینجا آن است که هرچند جنبه ظاهری دین چشمگیرتر است، اما آنچه تاروپود این جنبه ظاهری را تشکیل می‌دهد و آن را دینی می‌سازد، به جنبه باطنی دین مربوط می‌شود و بی‌آن، رفتارها و اعمال را نمی‌توان دینی نامید؛ به بیان دیگر، اگر کسی به انجام دادن آداب و رفتار دینی مبادرت ورزد و پای بند مناسک دین باشد، اما این همه، بدون باور و اعتقاد و مایه‌های درونی لازم انجام گیرد، او را در ردیف دینداران تلقی نمی‌کنند؛ زیرا ممکن است این اعمال صرفاً از روی عادت و تظاهر و وانمود کردن خود به همراهی با عرف دینداران صورت گرفته باشند! در نقطه مقابل، اعتقادات و باورهای دینی نیز چنان‌اند که لزوماً عمل به مناسک و اعمال دینی را برای انسان ضروری می‌سازند.

به هر حال، اهمیت بعد درونی دین از آن‌روست که در حقیقت، روح حیاتی است بر پیکر و اندام آداب، اعمال و رفتارهای دینی؛ افزون بر این، بر عکس آداب و اعمال دینی که خاص پاره‌ای از زمان‌ها و مکان‌هایند، جنبه باطنی دین و مؤلفه‌های سازنده آن، همواره همراه آدمی هستند و از این‌رو، به لحاظ زمانی و مکانی گستره و شمول بیشتری دارند؛ به علاوه در روند طبیعی تحقق و

بروز یک عمل و رفتار ارادی، خیزش آن از اعماق وجود آدمی، یعنی باورها و احساسات او هستند. بنابراین، می‌توان گفت دین اساساً امری مربوط به ژرفا و درون آدمی است.^۱

چنان‌که در فصل‌های آینده خواهد آمد، برحسب نوع برداشتی که از متون دینی در اهمیت ابعاد و عناصر می‌شود، تأکید بر هر یک از این عناصر متفاوت است؛ برای مثال، در دین شعائری که موطن و محل اله و ظهور او را بیشتر در تجسمات مادی می‌بیند، مراسم و مناسک برپا شده حول این تجسم‌هایند که اهمیت بیشتری دارند، در حالی که در دین نبوی، ایمان و تصدیق قلبی و اقرار زبانی و بروز عملی آن، هر سه، مهم‌اند و دست آخر اینکه در دین عرفانی، آنچه مهم‌تر است تجربه فرد است و همین است که هویت دینی فرد را رقم می‌زند و از این منظر «مراسم و کیش‌ها و کتاب‌های عارفانه دست اول را از دست داده‌اند و یا به اینها به‌عنوان دستیارانی ظاهری نظر می‌شود که تنها در مراحل اولیه طلب مورد استفاده‌اند؛ عصاهایی هستند که به محض اینکه دستیابی مستقیم به خداوند حاصل شد، باید آن را به دور افکنند».^۲

۳. ماهیت دین در متون اسلامی

قرآن کریم و روایات معتبری که از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم‌السلام به ما رسیده‌اند، به‌عنوان اساسی‌ترین و مهم‌ترین منبع فهم ما از دین و امور دینی، در بیان ماهیت و حقیقت و نیز قلمرو دین نکات بسیار ارزشمندی را برای مخاطبان خود بیان داشته‌اند که تبیین آنها خود پژوهش مفصلی می‌طلبند؛ اما آنچه به اجمال می‌توان گفت آن است که از نظر این منابع، دین به معنای تسلیم و انقیاد در برابر خداوندی است که جامع همه صفات کمالی‌ای است که در متون دینی از آن به «الله» تعبیر می‌شود؛ این معنا از دین است که آن را مرادف «اسلام» قرار می‌دهد؛ إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ (آل عمران، ۱۹) و در این معنا، همه شرایع الهی مشترک‌اند؛ نهایت اینکه آنچه حضرت رسول ﷺ آورده است به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین شریعت محسوب می‌شود که پس از آن دیگر شریعت و مذهبی از سوی خداوند نخواهد آمد. با این معنا، اسلام و ایمان نیز مترادف می‌شوند؛ گرچه با لحاظی دیگر، اسلام آوردن که مرتبه نخست آن در بیان شهادتین است، از ایمان آوردن که رسوخ دین در قلب و نهاد انسان است، متفاوت است و این دو، دو مرتبه کمینه و بیشینه از دینداری هستند.^۳

۱. صبوری، فلسفه‌هایی برای تعلیم و تربیت اسلامی، ص ۱۶۷-۱۶۹.

۲. آلستون؛ بینگر و گلنهاوزن، دین و چشم‌اندازهای نو، ص ۳۳.

۳. «قَالَتِ الْأَعْرَابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ نُؤْمِنُوا وَ لَكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنَا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ» (حجرات، ۱۴).

از دیدگاه متون اسلامی، دین صرف اقرار و پذیرش لفظی یا عقیدتی نیست، بلکه، حبّ و علاقه به آموزه‌های دینی و عاملان به آنها و نیز بغض و کینه نسبت به معاندان و مخالفان آموزه‌های دینی و نیز عمل و رفتار دینی نیز از اجزای ساختاری دین به شمار می‌آیند؛ در ادامه به برخی روایات که مفهوم این معنایند اشاره می‌شود:

– رسول خدا ﷺ فرمود: الخلق الحسن نصف الدّین؛^۱ اخلاق پسندیده نصف دین است؛

– رسول خدا ﷺ فرمود: التوحید نصف الدّین؛^۲ توحید [یکتاپرستی] نصف دین است؛

– امام صادق (علیه السلام) فرمود: هل الدّین إلاّ الحبّ؛^۳ آیا دین چیزی جز دوست داشتن [خداوند] است؛

– امام علی (علیه السلام) فرمود: أوّل الدّین معرفته؛^۴ آغاز دین شناخت خداوند است.

...و

با دقت در گزاره‌های یاد شده این نکته به خوبی روشن می‌شود که در متون اسلامی ابعاد و ساحت‌های مختلفی برای دین بیان شده است و دین هرگز امری اعتقادی یا عاطفی و احساسی یا رفتاری صرف نیست؛ بلکه آمیزه‌ای از این سه است؛ دست آخر اینکه، در باب اهمیت هریک از این سه بعد، روایات متفاوتی وجود دارند که برخی به غلط تنها به بخشی از آنها توجه کرده و از بخش دیگر باز مانده‌اند و همین امر خود منشأ آسیب‌مندی در دینداری و تربیت دینی ناکارآمد بوده و مشکل‌زا شده است، که در آینده به تفصیل آن را بررسی خواهیم کرد؛ در حالی که براساس روش‌شناسی درست استنباط و تحلیل و تفسیر گزاره‌های دینی، واقعیت این است که دین هر سه بعد شناختی، احساسی و رفتاری انسان را پوشش می‌دهد و در ارتباط با هریک از این سه، محتوا و برنامه خاصی ارائه می‌کند؛ تأکیدهای خاص بر برخی ابعاد، گرچه بی‌وجه نیستند، اما نباید ما را از نگاه جامع بازدارند؛ از جمله وجوه برخی تأکیدها این است که پیشوایان دینی متناسب با ساخت فکری و ذهنی مخاطبان خود و در جهت متناسب ساختن آنها به نکات مغفول یا مورد اشتباهشان، بر برخی ابعاد دین بیشتر اصرار ورزیده‌اند؛ از این‌رو، باید نگرشی کلان و جامع به گفتار و رفتار پیشوایان داشت.

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۳۸۵.

۲. همان، ج ۳، ص ۲۴۰، ح ۲۵.

۳. همان، ج ۲۷، ص ۹۵، ح ۷.

۴. همان، ج ۴، ص ۲۴۷، ح ۵.

مبحث سوم: تربیت دینی

۱. مفهوم‌شناسی

با توضیحاتی که دربارهٔ هر یک از دو واژه «تربیت» و «دین» بیان شدند، شاید تا حدی مفهوم «تربیت دینی» روشن شده باشد؛ اما با کمترین رجوع به کلمات اندیشمندان و صاحب‌نظران تربیتی و به‌ویژه اندیشه‌وران تربیت اسلامی، می‌توان دریافت که حتی در باب مفهوم این اصطلاح نیز توافق وجود ندارد. در اینجا برخی از این معانی ارائه و توضیح داده می‌شوند.

عام‌ترین تعریفی که از «تربیت دینی» می‌توان ارائه داد، تعریف آن به «تربیت براساس مبانی و معیارهای دینی» است. در این معنا همهٔ مبانی، اهداف اصول، روش‌ها و برنامه‌های تربیتی، براساس معیارها و مبانی دینی تدوین می‌شوند؛ خواه استخراج هر یک از این امور مستقیم از متون دینی باشد، خواه با عرضه به دین و یافتن انطباق آن با معیارهای دینی. نکته مهم این است که در این معنا «تربیت دینی محدود به مسائل اعتقادی، معنوی و یا اخلاقی نمی‌شود، بلکه رفتار و اندیشه آدمی را در دیگر ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، عاطفی و هیجانی نیز دربر می‌گیرد و در یک کلمه شخصیت انسان را پوشش می‌دهد».^۱ می‌توان تعریفی را که از تعلیم و تربیت در سند تحول بنیادین ارائه شده است، نیز در همین راستا دانست؛ زیرا براساس این سند «تعلیم و تربیت، فرایندی تعالی‌جویانه تعاملی، تدریجی، یکپارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی است که به منظور هدایت افراد جامعه به سوی آمادگی برای تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد، زمینه‌های مناسب تکوین و تعالی پیوسته هویت ایشان را در راستای شکل‌گیری و پیشرفت جامعه صالح اسلامی فراهم می‌آورد».^۲ حضور و دخالت دین در این نوع تربیت، به‌گونه‌ای است که هیچ قلمرو و گستره‌ای از آن بدون عناصر دینی یا بدون تجویز دین، امکان تحقق نمی‌یابد. به همین جهت است که در تربیت دینی تنها به آموزش و تعلیمات دینی اکتفا نمی‌شود، بلکه همهٔ فعالیت‌های آموزشی و تربیتی مدرسه و جامعه باید براساس آموزه‌ها و معیارهای دینی سامان یابند. این معنا از تربیت دینی، بر رهیافتی فلسفی مبتنی است که گسترهٔ دین را دربرگیرنده همه مسائل زندگی، اعم از فردی و اجتماعی، و در همه زوایا و ابعاد می‌داند.^۳

۱. زارعان، «تربیت دینی-تربیت لیبرال»، معرفت، ش ۳۳، ص ۱۱.

۲. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ص ۱۰-۱۱.

۳. ر.ک: مشایخی‌راد، مجموعه مقالات تربیت دینی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۰.